

تبیینی از تعطیلی حج از صفویه تا انقلاب اسلامی ایران

سید محمود سامانی*

چکیده

حج‌گزاری مسلمانان از اواخر حیات رسول الله ﷺ آغاز گردیده و تا قرن سوم هجری، جز موارد بسیار معدود که بیشتر مربوط به حوادث طبیعی و غیر مترقبه بود، بی وقفه انجام شده است. از این زمان به بعد و با ضعف دستگاه خلافت عباسی و پدید آمدن کانون‌های متعدد قدرت در جهان اسلام، رقابت‌ها بر سر سیادت بر حرمین شریفین، به عنوان کانون‌های مشروعیت‌زا، شروع شد که گاه به تعطیلی حج مردمان قلمرو رقیب منجر گردید. در بازه زمانی ۹۰۷ قمری که صفویه در ایران قدرت گرفت تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (سال ۱۳۹۹ ق/ ۱۳۵۷ ش) نیز بیشتر بنا به دلایل سیاسی و مذهبی، حج در برخی سال‌ها تعطیل شد. این نوشتار در صدد است تا پس از بررسی علل کلی تعطیلی حج، سال‌هایی را که ادای این فریضه الهی مدتی برای برخی مردمان سرزمین‌های اسلامی میسر نشده است، مطرح کند. پرسش اصلی مقاله این است که علل تعطیلی حج در بازه زمانی از صفویه تا انقلاب اسلامی چه بوده و چه سال‌هایی و چرا حج تعطیل شده است.

کلید واژه‌ها: تعطیلی حج، صفویان، قاجاریه، امنیت، عثمانی، آل سعود، رقابت

*. پژوهشگر پژوهشکده حج و زیارت و مدرس دانشگاه. Mahmud.samani@gmail.com

زمانی که صفویه (حک: ۱۱۴۸-۹۰۷ق) در ایران قدرت را به دست گرفتند، بیش از دو قرن از حکومت عثمانی می‌گذشت. اما آنان با تسلط دولت ممالیک (حک: ۹۲۳-۶۴۷ق)، بر حرمین شریفین سیادت نداشتند. حکومت عثمانی پس از پیروزی بر صفویان در نبرد چالدران (سال ۹۲۰ق)، با دولت ممالیک در مصر و شام در افتادند که نتیجه آن، انقراض این دولت در سال ۹۲۳ قمری، و به دنبال آن چیرگی عثمانیان بر حرمین شریفین بود. از این زمان به بعد، دو دولت صفوی و عثمانی که به لحاظ مذهبی نیز همخوانی نداشتند، در رقابت با یکدیگر بودند و روابط خصمانه‌ای داشتند که بر حج‌گزاری ایرانیان و برخی مردمان ممالک شرقی نیز تأثیرگذار بود و گاه موجب تعطیلی حج آنان می‌شد. چنین چالشی با شدت کمتر در ادوار بعد؛ یعنی در عصر حکومت‌های افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی، میان ایران، عثمانی و بعد با آل سعود وجود داشت.

در این مقاله، به اجمال از علل و عوامل تعطیلی حج سخن گفته‌ایم و پس از آن به صورت کرونولوژی و تاریخ مند، سال‌هایی را که حج ایرانیان یا برخی دیگر از ملل به تعطیلی کشیده شد، آورده‌ایم. به جاست پیش از پرداختن به اصل موضوع، اشاره‌ای به دولت‌های تأثیرگذار در تعطیلی حج داشته باشیم:

صفویه؛ آنان نخستین دولت فراگیر شیعه‌مذهب را در ایران تأسیس کردند که از سال ۹۰۷ تا ۱۱۴۸ق، تقریباً بر تمام ایران قدیم؛ از جمله در برهه‌هایی بر عتبات عالیات و برخی مناطق دیگر عراق حکومت داشتند. در عصر این دولت، بارها حج ایرانیان تعطیل شد. دولت عثمانی که دولتی با گرایش شیعی را در همسایگی خود بر نمی‌تافت، به بهانه‌ها و انگیزه‌های مختلف آن را مورد حمله قرار داد و مناطقی از قلمرو آن را اشغال کرد. مناسبات خصمانه این دولت در امر حج نیز نمودار شد و بارها عثمانی‌ها از حج‌گزاری ایرانیان ممانعت کردند و با اتهام‌زنی ترکان مستقر در حرمین به ایرانیان و تحریک مردم و حاکمان حرمین، مشکلات عدیده‌ای را برای آنان به وجود آوردند. این سیاست در عصر دیگر حکومت‌های ایران (افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی) تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش) نیز با شدت کمتر ادامه یافت.

عثمانی؛ این دولت دیرپا در سال ۶۹۹ قمری تأسیس شد و تا سال ۱۳۴۳ قمری، بیش از شش قرن حیات داشت. از این مدت، حدود چهار قرن؛ یعنی از سال ۹۲۳ق،

عثمانی‌ها بر حرمین شریفین مسلط بودند و امارت آنها را که غالباً در اختیار اشراف (سادات) حسنی بود، تأیید و تفویض می‌کردند. عثمانی‌ها در مناسبات ایرانیان و دیگر ملل با حاکمان حرمین، ضلع سوم محسوب می‌شدند و در امر حج‌گزاری، به‌ویژه حج‌گزاری ایرانیان، تأثیرگذار بودند.

آل سعود؛ این دولت نخستین بار در نیمه اول قرن دوازدهم هجری (۱۲۲۳-۱۱۳۹ق)، در نجد عربستان شکل گرفت و پس از سال‌ها توانست برای چند سال سیطره خود را بر حرمین شریفین بگستراند و در امر حج خلل ایجاد کند. دولت آل سعود در این مرحله از حکومت خود، با حملات مصریان مواجه شد که بنا به توصیه و پشتیبانی عثمانی انجام گرفته بود. نتیجه این حمله نابودی دولت اول آل سعود بود. آنان برای بار دوم موفق به تشکیل دولت شدند و از سال ۱۲۴۰ تا ۱۳۰۹ قمری، حکومت کردند؛ اما نتوانستند بر حرمین مسلط شوند؛ هرچند سیطره آنان بر نجد و برخی مناطق پیرامونی، مشکلاتی را بر حجاج در پی داشت.

به رغم نابودی حکومت آنان در این مرحله که به دست آل رشید صورت گرفت، آل سعود برای بار سوم از سال ۱۳۱۹ قمری توانستند دولت نیرومندی را تشکیل دهند که تا کنون به حیات خود ادامه داده است. آنان که از سال ۱۳۴۳ قمری بر حرمین شریفین تسلط یافته‌اند، بارها موجب تعطیلی حج شده‌اند.

* علل تعطیلی حج

۱. نبود امنیت

از عصر صفویه به بعد، یکی از علل تعطیلی حج، فقدان امنیت بوده است. در این دوره، حج‌گزاران قلمرو صفویه گاه از راه شمال عراق خود را به کاروان شام می‌رساندند و از آنجا راهی حج می‌شدند. اما بیشتر ایرانیان در این دوران نیز از راه قدیم عراق یا راه جبل استفاده می‌کردند که از سرزمین‌های داخلی جزیره العرب می‌گذشت. راه عراق، به دلیل وجود مزارهای امامان شیعه در عتبات، برای ایرانیان اهمیت زیادی داشت. در واقع مشکل اصلی در این میان عدم امنیت بود؛ زیرا سفر حاجیان در این راه با حمایت نیروهای نظامی عثمانی همراه نبود و امنیت راه در دست حکام محلی بود که خود از سفر حج کسب

درآمد می کردند و از حاجیان مالیات‌های سنگین می گرفتند و با بدرفتاری خود، گاه موجب کشتار مردم یا عقب افتادن حج می شدند.

۲. نبود قدرت مرکزی

در مسیرهای منتهی به حرمین شریفین در شبه جزیره عربستان، قدرت مرکزی وجود نداشت و این موجب بالا گرفتن آزادی قبایل عرب راهزن می شد که راه مردم را می بستند و آنان را غارت و گاه کشتار می کردند. با این حال این راه برای ایرانیان بسیار کوتاه تر از راه شام بود و از سوی دیگر به دلیل وجود عتبات در عراق و امکان زیارت آنان در راه رفت یا برگشت، ایرانیان عبور از این راه را ترجیح می دادند. یکی از عوامل تعطیلی حج در برخی از سال‌ها هم همین ناامنی راه حج بود و گاه دولت صفوی مردم را از سفر از طریق راه جبل منع می کرد. در نامه‌ای که شاه عباس دوم به شریف مکه نوشت، به منع حاجیان برای عبور از راه بصره اشاره کرده و بازگشایی راه حج را منوط به تعهد حاکم بصره و شریف مکه به برقراری امنیت در طول مسیر شده است (شاردن، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۶۱۶؛ احیاء الملوک، ص ۴۷۹؛ مقالات تاریخی، دفتر ۱۱، صص ۶۸-۶۲).

۳. رقابت و دشمنی میان صفویان و عثمانی

رقابت و دشمنی میان دو دولت عثمانی و صفوی در عرصه سیاسی، به مخاطراتی برای حج ایرانیان تبدیل شد؛ زیرا چنین شکافی بین آنها باعث افزایش احساسات ضد شیعی و ضد ایرانی در حرمین شریفین و دیگر مناطق تحت قلمرو عثمانی شد. احساسات ضدیت با ایرانیان در میان مردم و دانشوران حجاز در آن دوران بیشتر بود و همین دید منفی به کشته شدن برخی ایرانیان در مکه مکرمه انجامید. میزان تعصبات دینی در این شهر مقدس به اندازه‌ای بود که شایعاتی همچون اعتقاد شیعیان به نجس کردن کعبه (تلویث) در میان مردم رواج یافته بود (السباعی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۲). این اتهام چندین بار دستاویز کشتار شیعیان قرار گرفت؛ برای نمونه در سال ۱۰۸۸ قمری پیدا شدن آلودگی‌ای همانند نجاست بر دیوار کعبه، بهانه‌ای به دست متعصبان داد تا برخی شیعیان حاضر در مسجدالحرام را به گونه‌ای دردناک با سنگ و چوب به قتل برسانند (السنجاری، ۱۴۱۹ق،

ج ۴، ص ۴۸۸) در این رخداد، یکی از دانشوران ایرانی مجاور مکه به نام محمد مؤمن استرآبادی نیز کشته شد (خاتون آبادی، ۱۳۵۲ش، ص ۵۳۴؛ محمد المحبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۳-۴۳۲؛ جعفریان، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۸۳۹) از دیگر دانشوران ایرانی که در این دوران کشته شدند، زین العابدین فرزند نورالدین بود (عبدالله الافندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۹۹). یک‌بار نیز یکی از دانشوران ایرانی تبار ساکن مکه به جرم دفاع از تشیع در مجلس درس، با اینکه قاضی به برائت او حکم داده بود، به دست متعصبان به قتل رسید (نیل المنی، ج ۲، صص ۷۶۴-۷۶۳).

گفتنی است که مسیر حج ایرانیان از سرزمین‌های زیر نظر دولت عثمانی می‌گذشت و سفر آنان به قلمرو دشمن، به ویژه هنگامی که آتش نبرد میان ایران و عثمانی شعله‌ور بود، با موانع و مشکلاتی روبه‌رو می‌شد. گزارش‌ها حاکی از تعطیلی حج به دلایل سیاسی در برخی سال‌ها بوده است.

بر اساس برخی اخبار، شاه عباس صفوی (حک: ۱۰۳۸-۹۹۵ق)، سفر حج را مدتی ممنوع کرد؛ زیرا از نظر وی حج‌گزاری ایرانیان عامل سرازیر شدن پول بسیار از کشور می‌شد (دنبلی مفتون، ۱۳۶۳ش، ص ۲۵؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۰۳۷) و دشمن ایران؛ یعنی عثمانی نیز از آن بهره‌مند می‌گردید.

* کرونولوژی تعطیلی حج

۱. تعطیلی حج در عصر صفوی

۱۰۴۷ قمری: در این سال میان شاه‌صفی با سلطان‌مراد چهارم عثمانی (حک: ۱۰۴۹-۱۰۳۲ق)، نبرد جریان داشت که ایرانیان به فرمان سلطان عثمانی از مکه اخراج، و برای چند سال از حج‌گزاری بازداشته شدند (السنجاری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، صص ۱۸۱-۱۸۲).

۱۱۱۶ قمری: در این سال می‌توان گفت عملاً حج برای مردمان عراق و ایران تعطیل بوده است؛ زیرا از عراق فقط چهل نفر موفق به ادای حج شدند (مکی سعودی، بی‌تا، ص ۱۹۲).

۱۱۴۳ قمری: در این سال شیعیان ایرانی دیرتر از موسم به مکه رسیدند و ناگزیر شدند تا سال آینده در مکه بمانند. البته اقامت آنان در درس‌ساز شد و برخی مردم مکه با همکاری

نیروهای مستقر در شهر، به بهانه آلوده ساختن حرم از سوی ایرانیان، بر آنان شوریدند و آنها را از شهر بیرون راندند (السباعی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۲).

با این حال، جز این موارد، گزارش‌های مشخصی درباره قطع شدن حج ایرانیان در دوران صفویه در دست نیست. دولت عثمانی برای حفظ وجهه دینی خود به عنوان خادم حرمین، از ممنوع کردن حج ایرانیان پرهیز می‌کرد. اما با توجه به روابط ایران و عثمانی در این دوران، می‌توان حدس زد که حج‌گزاری ایرانیان در زمانی که دو دولت در نبرد بوده‌اند، متوقف یا سخت محدود بوده است (دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۴، ایران، ص ۶۴۳).

توقف حج ایرانیان و مشکلات آنان را از نامه‌های دو دولت عثمانی و صفوی می‌توان دریافت. در این نامه‌ها به مشکلات حج ایرانیان و بسته بودن راه آنان اشاره شده و رسیدن به صلح برای آسایش حاجیان ضروری دانسته شده است (محقق، ۱۳۷۹ش، ص ۲۹؛ نوایی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۳۷-۲۰۳؛ از شیخ صفی تا شاه صفی، ص ۲۱۳). هنگامی که دولت ایران و عثمانی در صلح به سر می‌بردند، حج‌گزاری ایرانیان با آزادی و گستردگی بیشتر انجام می‌شده است. گزارش‌هایی از سفرهای پرشمار ایرانیان در برخی سال‌ها و نیز سفر افراد، به ویژه بزرگان دولت صفوی و علمای شیعی، و سکونت شماری از آنان در مکه و مدینه، در دوران صفوی در دست است (السنجاری، ۱۴۱۹ق، ج ۵، صص ۲۵۶ و ۲۶۵؛ خاتون آبادی، ۱۳۵۲ش، ص ۵۵۳؛ جعفریان، ۱۳۷۹ش، ج ۲، صص ۸۵۰-۸۴۴؛ آل بسام، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۳۱۳، ۴۴۰ و ۸۱۱؛ صفوی، ص ۳۳).

۲. تعطیلی حج ازبکان در دوره صفویه

افزون بر حج ایرانیان که بنا به عوامل مختلف در این دوره تعطیل می‌شد، حج ازبکان نیز که به یک معنا به حج ایرانیان گره خورده بود، انجام نمی‌شد؛ زیرا آنان می‌بایست از ایران عبور می‌کردند و این در حالی بود که ازبکان به دلایل سیاسی و مذهبی و تحریک عثمانی بارها با صفویه رویارو شدند و شمال شرقی ایران را مورد تاخت و تاز قرار دادند. از این رو، عبور آنان از قلمرو صفویه برای حج، دچار مشکل می‌شد و تعطیلی

حج را به دنبال داشت. راه جایگزین برای آنان، شمال دریای خزر و پیوستن به کاروان عثمانی بود.

گفتنی است که در جنگ‌های عثمانی و دولت ممالیک، مدتی حج شامیان تعطیل شد؛ چنان که در سال ۹۲۳ ق، پس از آنکه سلطان سلیم مصر را تصرف کرد و چراکسه از میان رفتند، بر خلاف محمل رومی که برای حج به راه افتاد، محمل شامی از حج بازماند (مکی سعودی، بی تا، صص ۷۴-۷۳).

۳. تعطیلی حج در دوره افشاریه (حک: ۱۱۶۳-۱۱۴۸ ق)

رفتارهای ناپسند عثمانی‌ها در اتهام به ایرانیان و حج گزاران مقیم حرمین در دوران حکومت نادرشاه افشار نیز تکرار شد؛ چنان که ماجرای سیدنصرالله حائری (م. ۱۱۵۸ ق) از آن جمله است. حائری، مدرس و خطیب توانای حرم امام حسین علیه السلام، برای پیگیری مصوبات همایش نجف به سال ۱۱۵۷ قمری از سوی نادر، راهی مکه شد. وی در مسجدالحرام به روش شیعیان نماز گزارد و پس از نماز، مبلغ فراوانی را به نام نادر میان دانشوران قسمت کرد. وی مورد استقبال شریف مسعود بن سعید بن سعد حسنی، حکمران مکه قرار گرفت و نامه‌های نادر برای توافق دانشوران فریقین در رسمی شمردن مذهب جعفری، برپایی نماز به شیوه شیعیان در مسجدالحرام و مسجدالنبی و درگیر نشدن فریقین با یکدیگر، همراه هدایای نفیس نادر به شریف مکه و حکمران مدینه تقدیم کرد. شریف مسعود، نامه و هدایا را برای کسب تکلیف به دربار عثمانی فرستاد و سیدنصرالله را نزد خود نگاه داشت. امیر جده، ابوبکر پاشا، در همان سال نامه‌ای از خواهرزاده خود، احمد پاشا، که در مرز ارز روم مستقر بود، با فرمان نقض سازش میان عثمانی و نادر دریافت کرد و بر همین اساس، از شریف مسعود خواست که سیدنصرالله را به او بسپارد تا به قتل برساند. شریف در برابر این خواسته او مقاومت کرد، ولی برای رفع اتهام تمایل به تشیع، دستور داد تا پس از هر نماز در مسجدالحرام شیعیان را لعن کنند. شریف پس از یک سال سیدنصرالله را همراه امیرالحاج شام، اسعد پاشا، راهی استانبول کرد و سرانجام سیدنصرالله در نهم رجب سال ۱۱۵۸ قمری در میدان باب السرایای استانبول به اتهام فساد مذهب گردن زده شد (الموسوی العاملی، ۱۴۳۱ ق، ج ۲، صص ۳۹۸-۳۷۷).

از وضعیت حج گزارى ایرانیان در اواخر حکومت نادر و جانشینانش اطلاعى در دست نیست.

در دوره زندیه (حك: ۲۰۹-۱۶۳ق) نیز مشکلات سابق برای حج گزاران ایرانی کم و بیش وجود داشت؛ چنان که در سال ۱۱۸۸ قمرى چند ایرانی در مکه مکرمه به بهانه نجس کردن کعبه به قتل رسیدند (مکى سعودى، بی تا، ص ۱۳۲).

۴. تعطیلی حج در دوره قاجاریه

اختلافات سیاسى و مذهبى میان ایران و عثمانى در دوران قاجاریه نیز کم و بیش ادامه یافت. این اختلافها جز در سالهای آغازین استقرار قاجاریه، باعث محدودیت حج ایرانیان نشد (مقالات تاریخى، دفتر ۸، ص ۱۸۰). در مذاکرات دولت قاجار با دولت عثمانى، موضوع حج ایرانیان یاد شده بود؛ از جمله در برخى عهدنامههایی که در دوران فتحعلی شاه میان دو دولت بسته شد، تأمین امنیت حاجیان، رفتار مناسب و نگرفتن مالیات راه از حاجیان ایرانی، جزو تعهدات مقامهای عثمانى بود (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲ش، ج ۳، صص ۱۵۶۱-۱۵۶۰ و ۱۶۸۲؛ درباره جنگهای ایران و عثمانى در دوران قاجار، ر.ک: شمیم، ۱۳۸۷ش، صص ۱۱۴-۱۰۵).

نبود امنیت جانی و مالی در راه حج و دریافت اخوه و باج خواهی فزاینده بادیه نشینان و شیوخ محلی - که معروفترین ایشان امیر جبل بود - موجب تعطیل حج می شد. از همین رو فقیهان، برخى از این راهها را تحریم کردند. میرزای قمى (۱۲۳۱-۱۱۵۱ق)، که به سال ۱۲۱۲ قمرى به حج رفته بود، سالها بعد با دریافت گزارش رفتار وهابیان در مسیر حج با شیعیان، در پاسخ به استفتای یکى از دانشوران معاصر خود، امنیت را از شروط حج دانست و هر چند وجود امنیت را از موضوعات وابسته به تشخیص مکلف می دانست، تصریح کرد که در آن وضعیت، نه خود به حج می رود و نه به دیگرى اجازه سفر می دهد (قمى، ۱۴۱۳ق، ج ۱، صص ۳۳۱-۳۲۶).

همچنین شیخ فضل الله نوری به سال ۱۳۱۹ قمرى سفر از راه جبل را تحریم کرد. وی که خود از این مسیر به حج رفته بود، در بازگشت، نه تنها خود او سفر حج از این راه را

حرام دانست، بلکه مراجع تقلید شیعه را نیز قانع کرد که سفر از این راه را تحریم کنند. این فتاوا در کتاب «فتاوی العلماء فی حرمة السفر إلى الحج من طریق الجبل» گرد آمده است (الذریعه، ج ۱۶، ص ۱۰۲؛ مقالات تاریخی، ج ۹، صص ۳۸، ۴۲، «تیر اجل در صدمات راه جبل»).

۵. ظهور آل سعود و تعطیلی حج

ظهور وهابیت و درگیری‌های دامنه‌دار آنان برای تسلط بر حرمین، به طور متناوب موجب تعطیلی حج مناطق گوناگون شد. تصرف شهرهای طائف و مکه و مدینه به سال ۱۲۱۷ق، در دوره اول آل سعود (۱۲۲۳-۱۲۱۹ق)، مخالفت و واکنش کشورهای اسلامی، از جمله ایران و تعطیلی حج را در پی داشت (دوغان، ۱۳۸۹ش، صص ۲۲۶-۲۲۱).

۶. تعطیلی حج در دوره آل سعود

۱۱۴۲قمری: از این سال تا ۱۲۰۵قمری به سبب حکم دانشمندان مکه به فساد عقیده محمد بن عبدالوهاب و پیروان وی، از حج گزاری ایشان جلوگیری شد (دحلان، ۱۳۰۵ق، ص ۳۳۸؛ البقونی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۹۶).

۱۲۱۹قمری: در این سال وهابیان به مکه مکرمه حمله کردند و مانع عزیمت بسیاری از افراد به حج شدند (دوغان، ۱۳۸۹ش، صص ۲۲۲-۲۲۱)؛ از جمله اهل حجاز به جهت سلطه وهابیان بر راه حج، نتوانستند حج به جا آورند (الأمین، ۱۳۸۲ق، ص ۳۱).

۱۲۲۳قمری: در این سال حج گزاران مصر و شام از حج باز ماندند؛ زیرا وهابیون که بر مکه مسلط شده بودند، در مورد حج گزاری مسلمانان به شکل مرسوم و همراه آوردن محمل سختگیری می کردند که نتیجه آن تعطیلی حج برای مردم برخی سرزمین‌ها بود (الجبرلی، ج ۴، ص ۱۴۱؛ العاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۴۳۵).

استمرار تعطیلی حج: از این زمان به بعد، به گفته برخی، تعطیلی حج دو یا سه سال (العاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۴۳۵) و حتی ده سال به درازا انجامید (الاهرام، ۳ اکتبر ۲۰۰۹م، «انقطاع الحج»).

- تعطیلی حج کاروان عراقی به مدت چهار سال (العاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۴۳۵).

۱۲۲۸ قمری: در این سال امیر مکه، از اشراف حسنی، از حج گزاران نجدیان، به دلیل نگرانی از جنجال وهابیت پیشگیری کردند (مکی سعودی، بی تا، ص ۲۸۲).

۱۳۳۸ قمری: در این سال نیز از حج گزاران نجدیان جلوگیری شد (عبدالغنی، ۱۴۲۳ق، ص ۸۱۹؛ مختار، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۹۱).

۱۳۳۹ قمری: در این سال نیز از حج گزاران نجدیان جلوگیری شد (السباعی، ۱۴۰۴ق، ص ۷۲۱).

۱۲۵۶ قمری: در این سال حج شامیان به سبب آنچه بین ابراهیم پاشا، پسر محمدعلی پاشا صاحب مصر و سلطان عبدالمجید عثمانی رخ داد، تعطیل بود (الصباغ، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۸۴۷).

- پس از استقرار حکومت آل سعود برای بار سوم (۱۳۱۹ق)، به رغم تلاش‌های ایشان برای جلب اعتماد حج گزاران و کشورهای اسلامی، بارها به دلیل‌های گوناگون، حج گزاران تعطیل بوده است.

۱۳۴۳ قمری: در این سال به علت نبرد میان آل سعود و شریف علی، امیر مکه مکرره که در جده مستقر بود، مراسم حج تعطیل شد.

۱۳۴۴ قمری: در این سال نیز مردم همه سرزمین‌های تابع عثمانی، از رفتن به حج منع شدند و تنها مردم مناطق زیر سلطه سعودی‌ها در سرزمین‌های جزیره العرب و شماری اندک از حاجیان مغربی حج به جا آوردند (السباعی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۹۳؛ فرقه‌ای برای تفرقه، ص ۱۰۸).

۱۳۳۶-۱۳۳۳ قمری: در این سال‌ها که دولت قاجار آخرین سال‌های عمر خود را در ایران سپری می‌کرد، به دلیل وقوع جنگ جهانی اول و درگیر شدن خاور میانه در این نبردها، به ویژه گسترش دامنه نبرد به عراق، حج گزاران ایرانیان و دیگر کشورهای منطقه به مدت پنج سال تعطیل شد. تنها در سال ۱۳۳۴ قمری، انگلیسی‌ها که کنترل عراق را در آن مقطع به دست گرفته بودند، برای فراهم کردن امکان حج اعلان آمادگی کردند و گروهی از ایرانیان نیز به حج رفتند (هدایتی، ۱۳۴۳ش، ص ۴۹). اما باز شدن راه حج چندان دیری نپایید و مرحله جدیدی از تعطیلی در حج ایرانیان، با تصرف حجاز برای بار دوم به دست آل سعود، آغاز شد.

۷. تعطیلی حج مسلمانان روسیه

از مسائل مشکل آفرین در حج مردم روسیه، به ویژه اهالی قفقاز، حساسیت دولت روسیه به بیماری‌های فراگیر در حجاز بود. امین الدوله که در سال ۱۳۱۶ قمری در مسیر سفر حج از باکو و تفلیس گذشته، با اشاره به وسواس دولت روسیه دربارهٔ رواج بیماری در مکه و مدینه و جده، از تعطیلی حج مردم روسیه در دو سال اخیر خبر داده است (سفرنامه‌های حج قاجار، ج ۶، ص ۳۵۸). به گفته او، مقام‌های روسی به مجرد رواج شایعهٔ وجود بیماری در حجاز، حج شهروندان مسلمان روسیه را ممنوع می‌کردند (همان). با انقلاب کمونیستی در روسیه و در پی سیاست‌های ضد دینی دولت شوروی، حج گزاران مسلمانان روسیه تعطیل شد (دولت‌شین، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹-۳۰).

۸. تعطیلی حج مصری‌ها

به سال ۱۳۴۶ قمری / ۱۹۲۸ میلادی به دلیل ممانعت وهابیون از ورود محمل مصر، حج مصری‌ها تعطیل شد (الاهرام، ۳ اکتبر ۲۰۰۹ م، «انقطاع الحج»).

۹. تعطیلی حج در دورهٔ پهلوی

تصرف مکه و مدینه به دست عبدالعزیز سعودی (۱۳۴۴ق)، مؤسس دولت جدید آل سعود و تشکیل پادشاهی حجاز و نجد، با شکل‌گیری سلطنت پهلوی و آغاز پادشاهی رضا پهلوی در ایران (۱۳۴۴ق/۱۳۰۴ش)، هم‌زمان بود (کلیفورد با سورت، ۱۳۸۱ش، صص ۲۳۱ و ۵۴۳). با حاکمیت آل سعود در حجاز و ناآرامی اوضاع آن دیار و پخش خبر ویران‌سازی مکان‌های مقدس در مکه و مدینه، بسیاری از کشورهای مسلمان سفر حج شهروندان خود را ممنوع کردند (محقق، ۱۳۷۹ش، ص ۶۰).

۱۳۰۴ شمسی: در این سال دولت ایران، سفر حج ایرانیان را به دلیل نگرانی دربارهٔ تأمین امنیت آنان ممنوع کرد و کنسولگری‌های خود در کشورهای عراق، سوریه و مصر را مأمور کرد از سفر ایرانیان به مکه ممانعت کنند (روابط سیاسی ایران و عربستان، ص ۵۴). دولت ایران همچنین در این سال، ویران‌سازی بقاع متبرکهٔ بقیع را رسماً محکوم کرد (محقق، ۱۳۷۹ش، ص ۶۷).

ممنوعیت حج هم‌زمان با سایر کشورها اجرا شد؛ برای نمونه مفتی مصر در همان سال (۱۳۰۴ش) صدور گذرنامه حج را ممنوع اعلام کرد و این موضوع حتی باعث شد که دولت انگلیس نیز از اعزام مسلمانان هند به حج جلوگیری کند.

با تصویب مجلس شورای ملی به سال ۱۳۰۵ شمسی کمیسیونی از نمایندگان مجلس با نام «کمیسیون حرمین شریفین» تشکیل شد تا با همکاری دولت به بررسی اوضاع حرمین و تعیین تکلیف در این زمینه بپردازد (روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۴۴؛ تخریب و بازسازی بقیع، ص ۶۳).

در ۱۴ شهریور ۱۳۰۴ شمسی، دولت تعطیل عمومی اعلام کرد و مردم تهران در محکومیت ویران‌سازی قبور بقیع راهپیمایی کردند (مجله خواندنی‌ها، سال ۴، شماره ۲۷، «تظاهرات مردم تهران»، صص ۱۷-۱۵؛ خلیلی عراقی، ۱۳۴۰ش، صص ۱۱۴-۱۰۹).

ممنوعیت سفر حج از سوی کشورهای اسلامی، هم به مشروعیت آل سعود لطمه وارد می‌کرد و هم موجب ضرر مالی برای این کشور بود (محقق، ۱۳۷۹ش، ص ۲۱). آل سعود با ارسال نامه‌هایی به کشورهای گوناگون از جمله ایران، بر امنیت کامل حجاز تأکید کرد و مسئولیت حفظ امنیت حاجیان را بر عهده گرفت و از همه کشورهای اسلامی خواست تا نمایندگانی برای بررسی اوضاع حجاز و امنیت آن به آنجا بفرستند. ایران از نخستین کشورهایی بود که به این درخواست پاسخ داد و هیئتی را با مأموریت بررسی اوضاع حجاز و دیدار از بقاع متبرکه مکّه و مدینه به حجاز فرستاد (همان، ۱۳۷۹ش، صص ۲۶، ۶۱ و ۶۵؛ بادیب، ۱۹۹۴م، ص ۱۰۳؛ روابط سیاسی ایران و عربستان، ص ۵۵).

ممنوعیت حج از سوی دولت ایران تا سال ۱۳۰۷ شمسی ادامه یافت. در این مدت، حکومت ایران هنوز دولت سعودی را به رسمیت نشناخته بود. با وجود این، برخی ایرانیان از راه‌های غیر رسمی به حج می‌رفتند و دولت ایران نیز در برخی سال‌ها سفر ایرانیان را از راه‌هایی جز راه عراق، آزاد گذاشته بود. در برخی از این سال‌ها، شمار حاجیان به حدود سه هزار تن نیز می‌رسید (روابط سیاسی ایران و عربستان، ص ۵۹-۵۸).

در سال ۱۳۰۸ش، مذاکراتی میان دولت ایران و عربستان صورت گرفت که سرانجام به بهبود روابط آن دو انجامید. با ورود نمایندگان سعودی به ایران، دولت ایران

در ۲۱ مرداد ۱۳۰۸ ش (۱۳۴۸ق)، دولت حجاز را به رسمیت شناخت و عهدنامه مودت میان ایران و عربستان بسته شد. از بندهای این عهدنامه، تعهد عربستان برای تأمین امنیت و فراهم ساختن وسایل آسایش حاجیان ایرانی بود (روزنامه اطلاعات، سال چهار، شماره‌های ۷۵۳، ۸۱۰، ۸۳۱ و ۸۴۱؛ محقق، ۱۳۷۹ ش، ص ۷۵).

از آن پس، روابط ایران و عربستان شتابان بهبود یافت. در سال ۱۳۱۱ ش، شاهزاده فیصل بن سعود به ایران آمد و با رضاشاه دیدار کرد. در همین سال، شش ناو جنگی ایران در رزمایشی دوستانه وارد بندر جده شدند و مورد استقبال مقام‌های سعودی قرار گرفتند (محقق، ۱۳۷۹ ش، صص ۳۳ و ۹۵؛ روابط سیاسی ایران و عربستان، ص ۶۹).

۱۳۲۱ شمسی: در این سال که با آغاز حکومت محمدرضا پهلوی همزمان شده بود وضعیت منطقه به دلیل جنگ جهانی دوم سخت رو به وخامت رفت و سفر حج به ویژه از راه عراق، بسیار خطرناک شد. از این رو، مقام‌های ایران صدور گذرنامه حج را ممنوع کردند. با این حال، سفر حاجیان ایرانی به مکه و مدینه قطع نشد و در این سال حدود ۱۶۰۰ تن و سال بعد از آن (۱۳۲۲ ش) حدود چهار هزار تن از حاجیان ایرانی از راه کویت و راه‌های دیگر به صورت غیر قانونی به حج رفتند، البته به دلیل نبود امکانات و درگیر بودن منطقه در نبرد، بسیاری از مسافران در میانه راه ناچار به بازگشت می شدند. در این سال‌ها، به دلیل مشکلات مالی ناشی از جنگ جهانی، دولت ایران کنسولگری خود را در جده تعطیل کرد و دولت عربستان نیز به دلیل همین مشکلات، امکانات سازمان‌دهی حاجیان را نداشت (محقق، ۱۳۷۹ ش، صص ۱۰۰-۹۹؛ عین السلطنه، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۰، صص ۸۰۲۹-۸۰۱۷).

۱۳۲۳ شمسی: در حج سال قبل از این تاریخ، زائری ایرانی از مردم یزد به اتهام اهانت به کعبه، دستگیر و اعدام شد. این زائر که ابوطالب یزدی نام داشت، به دلیل گرمی هوای درون مسجدالحرام، دچار تهوع شد و مأموران حرم که می‌پنداشتند وی قصد آلوده ساختن حرم را داشته، او را دستگیر و پس از محاکمه اعدام کردند (مجله خواندنی‌ها، سال ۴، شماره ۲۶، «از تهران تا مکه»، صص ۵-۳؛ محقق، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۰۴؛ قاضی عسکر، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۳). دولت ایران به اجرای این حکم سخت اعتراض کرد و خواستار عذرخواهی عربستان

سعودی شد. در نامه‌نگاری‌های میان دو دولت، مقام‌های سعودی صدور حکم اعدام را صحیح، و پشتوانه آن را گواهی شاهدان و اعترافات مقتول دانستند.

نامه‌نگاری‌ها و نیز میانجیگری مصر برای حل اختلاف سعودی نبخشید و دولت ایران به سال ۱۳۲۳ شمسی در اعتراض به این رخداد، با کشور سعودی قطع رابطه و حج ایرانیان را ممنوع کرد (عین السلطنه، ۱۳۷۴ش، ج ۱۰، ص ۸۰۱۷؛ محقق، ۱۳۷۹ش، صص ۱۲۴-۱۰۷؛ روابط سیاسی ایران و عربستان، صص ۸۵-۸۴).

تعطیلی حج تا سال ۱۳۲۷ شمسی ادامه یافت و در پی نامه عبدالعزیز سعودی، روابط ایران و عربستان از سر گرفته شد (محقق، ۱۳۷۹ش، صص ۳۹ و ۱۳۱-۱۳۰). سپس روابط سیاسی ایران و عربستان رو به بهبود نهاد و مسائل سیاسی در امور حج ایرانیان دخالتی نداشت.

نتیجه‌گیری

از بررسی تعطیلی حج ایرانیان در بازه زمانی حکومت صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸ق) تا انقلاب اسلامی در ایران می‌توان نتیجه گرفت که تعطیلی حج در برخی سال‌ها به دلایل سیاسی؛ از جمله فقدان امنیت در برخی مسیرهای حج در قلمرو عثمانی، نبود دولت متمرکز در جزیره العرب برای تأمین امنیت حجاج، رقابت‌های عثمانی با دولت‌های شیعه در ایران، به‌ویژه حکومت صفویه و در برخی برهه‌ها به دلیل مشکلات مالی بوده است. باج‌خواهی فزاینده بادیه‌نشینان و شیوخ محلی در مسیرهای منتهی به حج نیز گاهی موجب تعطیلی حج می‌شد.

تحریم سفر حج از راه جبل توسط فقها و مراجع، در پی برخورد خشن وهابیان با شیعیان، از دیگر علل تعطیلی حج بود.

اتهام‌زنی به شیعیان در مکه؛ مانند تلویت کعبه معظمه و قتل برخی ایرانیان و عذرخواهی نکردن دولت عربستان از علل قطع حج‌گزاری ایرانیان در چند سال پیاپی، در عصر پهلوی دوم بود. البته با وجود گسست در ادای فریضه حج در برخی سال‌ها، این تکلیف حتی‌الامکان، ولو با مشکلات زیاد، انجام می‌شد.

۱. احمدی، حمید (۱۳۸۶ش)، روابط ایران و عربستان در سده بیستم، تهران، وزارت امور خارجه، روزنامه اطلاعات، سال ۴، شماره‌های ۷۵۳، ۸۱۰، ۸۳۱، ۸۴۱.
۲. ارمسترون (۲۰۰۹م)، سید الجزیره عبدالعزیز آل سعود، ترجمه رافد خیشان الاسدی، بیروت، دار الوراق.
۳. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷ش)، تاریخ منتظم ناصری، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
۴. الافندی، عبدالله (۱۴۰۱ق)، ریاض العلماء، به کوشش سیداحمد حسینی اشکوری، قم، خیام.
۵. افندی، میرزا موسی (۱۳۹۲ق)، رسائل فی تاریخ المدینة المنوره (وصف المدینة)، به کوشش حمد الجاسر، ریاض، دار الیمامه.
۶. آل بسام، عبدالله بن عبدالرحمان بن صالح (۱۴۱۹ق)، خزانه التواریخ النجدیه.
۷. الامین، سیدمحسن (۱۳۸۲ق)، کشف الارتیاب، به کوشش امین، مکتبه الحریرس.
۸. بادیب، سعید محمد (۱۹۹۴م)، علاقات السعودیه الایرانیه ۱۹۸۲-۱۹۲۲، لندن، دار الساقی.
۹. البتونی، محمدلیب (۱۳۸۱ش)، سفرنامه حجاز (الرحله الحجازیه)، ترجمه هادی انصاری، تهران، مشعر.
۱۰. الجبرولی، عبدالرحمان بن حسن، عجائب الآثار فی التراجم و الاخبار، بیروت، دارالجیل.
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۷۹ش)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۲. جعفریان، رسول (به کوشش) (۱۳۸۹ش)، سفرنامه امین الدوله حاج میرزا علی خان صدر اعظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۹ش)، پنجاه سفرنامه حج قاجاری، تهران، علم.
۱۴. حسام السلطنه، سلطان مراد (۱۳۷۴ش)، سفرنامه مکه، دلیل الانام فی سبیل زیارة بیت الله الحرام و القدس الشریف و مدینة السلام، به کوشش رسول جعفریان، تهران، مشعر.
۱۵. خاتون آبادی، سیدعبدالحسین الحسینی (۱۳۵۲ش)، وقایع السنین و الاعوام، به کوشش محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامیه.
۱۶. خلیلی عراقی، محمدرضا (۱۳۴۵ش)، با من به خانه خدا بیایید، تهران، شرکت طبع کتاب، ۱۳۴۰ش.

۱۷. دحلان، احمد بن زینی (۱۳۰۵ق)، خلاصة الكلام فی بیان امراء البلد الحرام، مصر، المطبعة الخيرية.
۱۸. دحلان، احمد بن زینی (۱۳۹۶ق)، الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، استانبول، دارالشفقة.
۱۹. دنبلی، عبدالرزاق (مترجم) (۱۳۶۳ش)، سفرنامه کروسینسکی یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی، به کوشش میراحمدی، تهران.
۲۰. دوغان، اسرا (۱۳۸۹ش)، حج‌گزاری ایرانیان، تهران، مشعر.
۲۱. دولت‌شین، عبدالعزیز (۱۴۱۴ق)، الحج قبل مئة سنة: الرحلة السریة للضابط الروسي، به کوشش یفیم یزفان، بیروت، دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه.
۲۲. السباعی، احمد (۱۴۰۴ق)، تاریخ مکه، نادى مكة الثقافى.
۲۳. السنجاری، علی بن تاج‌الدین (۱۴۱۹ق)، منائح الكرم فی اخبار مكة و البيت و ولاة الحرم، تحقیق جمیل عبدالله محمد المصرى، مکه، جامعة أم القرى.
۲۴. شاردن، شوالیه (۱۳۷۴ش)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
۲۵. شمیم، علی اصغر (۱۳۸۷ش)، ایران در دوره سلطنت قاجار قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم، تهران، بهزاد.
۲۶. الصباغ، محمد بن احمد (۱۴۲۴ق)، تحصیل المرام، به کوشش ابن دهیش.
۲۷. صفوی، سام میرزا، تذکرة تحفة سامی، به کوشش همایون فرخ، کتب ایران.
۲۸. العاملی، سید محمد جواد (۱۴۱۸ق)، مفتاح الكرامة، به کوشش مروارید، بیروت، فقه الشیعه.
۲۹. عبدالغنی، عارف (۱۴۲۳ق)، تاریخ امراء مكة المکرمة، دار البشائر.
۳۰. عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴ش)، روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش منوچهر سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر.
۳۱. الغازی، عبدالله بن محمد (۱۴۳۰ق)، افادة الانام، به کوشش ابن دهیش، مکه، مكتبة الاسدى، ۱۴۳۰ق.
۳۲. الفاسی، محمد (۱۴۲۱ق)، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۳. فهد، عمر بن محمد (۱۴۰۸)، اتحاف الوری، به کوشش عبدالکریم، مکه، جامعة أم القرى.
۳۴. فورد، سرهارد (۱۳۸۶ش)، خاطرات سرهارد فورد، ترجمه مانی صالحی، تهران، نشر ثالث.
۳۵. قاضی عسکر، سیدعلی (۱۳۸۴ش)، ابوطالب یزدی شهید مرویه، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ش.

۳۶. قاضی عسکر، سیدعلی (۱۳۸۶ش)، تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، تهران، مشعر.
۳۷. قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، جامع الشتات، به کوشش مرتضی رضوی، تهران، کیهان.
۳۸. کربلایی، محمد عبدالحسین (۱۳۸۶ش)، تذکرة الطریق فی مصائب حجاج بیت الله العتیق، به کوشش رسول جعفریان و اسرا دوغان، قم، مورخ.
۳۹. کلیفورده باسورث، ادموند (۱۳۸۱ش)، سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز باستان‌شناسی اسلام و ایران.
۴۰. لیبی، رابرت (۱۳۶۵ش)، سرزمین سلاطین، ترجمه فیروزه خلعتبری، تهران، شباویز.
۴۱. مجله خواندنی‌ها، سال ۴، شماره ۲۶ و ۲۷.
۴۲. محبوبی اردکان، حسین (۱۳۷۴ش)، چهل سال تاریخ ایران، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر.
۴۳. المحبی، محمد (بی‌تا)، خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر، بیروت، دار صادر.
۴۴. محقق، علی (۱۳۷۹ش)، اسناد روابط ایران و عربستان سعودی (۱۳۵۷-۱۳۰۴ش)، تهران، وزارت امور خارجه.
۴۵. مختار، صلاح‌الدین (۱۳۹۰ق)، تاریخ المملكة العربية السعودية، دار مكتبة الحياة.
۴۶. معتمدالدوله، فرهاد میرزا (۱۳۶۶ش)، سفرنامه فرهاد میرزا (هدایة-السییل و کفایة-الدلیل)، تصحیح غلام‌رضا طباطبایی، تهران، علمی.
۴۷. مکی سعودی، عبدالفتاح حسین (بی‌تا)، امراء البلد الحرام عبر عصور الاسلام: عصر النبی - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - حتی عصرنا الحاضر، الطائف، مكتبة المعارف.
۴۸. الموسوی العاملی، رضی‌الدین بن محمد (۱۴۳۱ق)، تنزید العقود السنیة، به کوشش سیدمهدی رجایی، قم، نشر الانساب.
۴۹. ناصر سعید (۱۴۰۴ق)، تاریخ آل سعود، دار مكة المكرمة.
۵۰. نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۸ش)، شاه طهماسب صفوی، تهران، ارغوان.
۵۱. نوایی، عبدالحسین (به کوشش) (۱۳۶۰ش)، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ق: تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۵۲. هدایتی، احمد و محمدعلی (۱۳۴۳ش)، خاطرات سفر مکه، تهران، حیدری.
۵۳. وهبه، حافظ (۱۳۷۵ق)، جزيرة العرب فی القرن العشرين، قاهره.
۵۴. یارشاطر، احسان (۱۳۶۰ش)، دانشنامه ایران و اسلام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.